

دادگاه اروپایی حقوق بشر

دکتر سید محمد قاری سید فاطمی
استاد یار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

۰۱ مقدمه

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با لازم الاجرا شدن پروتکل شماره ۱۱ در سال ۱۹۹۸ وارد مرحله جدیدی از حیات خود شد. با لازم الاجرا شدن این پروتکل سیستم دو مرحله ای نظارت بر حسن اجرای این کنوانسیون که عبارت بود از رسیدگی به شکایات توسط یک کمیسیون پیش از رسیدگی دادگاه به یک رسیدگی یک مرحله تبدیل شد. دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر، راسا به شکایات وارده علیه نقض حقوق و آزادی های مصرح در کنوانسیون اروپایی خواهد پرداخت. افزون بر رسیدگی بر شکایات نقض حقوق بشر، دادگاه اروپایی نظریات مشورتی در زمینه مسائل حقوقی مرتبط با تفسیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر صادر خواهد کرد. این دادگاه جانشین دادگاهی شد که در سال ۱۹۵۹ تاسیس شده بود و همراه با کمیسیون اروپایی حقوق بشر به رسیدگی شکایات می پرداختند.

گرچه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اولین سند بین المللی نبود که در زمینه حقوق بشر تدوین شده بود، لیکن این کنوانسیون را می توان نخستین سند حقوق بشری دانست که نهادی قضایی را در جهت نظارت و کنترل قضایی بر حسن اجرای یک قرارداد بین المللی پیش بینی کرده است. البته واضح است که ترتیبات متخذه در حقوق داخلی بهترین و موثرترین ابزار برای حمایت از حقوق و آزادیهای افراد است، اما نمی توان انکار کرد که این ترتیبات همیشه وافی به منظور نبوده و لذا پیش بینی دادگاهها و مراجع فراملی (البته در صورتی که به ابزاری سیاسی تبدیل نشوند) می توانند در تضمین و حمایت از حقوق و شهروندان نقش حمایتی قابل توجهی ایفا کنند.

دادگاه اروپایی حقوق بشر در طول تاریخ خود نه تنها نقش مهمی در ارتقای حقوق بشر در اروپا، بلکه نقش قابل توجهی در توسعه و تحول حقوق بین المللی ایفا کرده است.

۰۲ پروتکل شماره ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

توسعه تعداد اعضای کنوانسیون و بالا رفتن تعداد متقاضیان، مدت زمان رسیدگی به شکایات را روز به روز طولانی می نمود تا بدانجا که رسیدگی به یک شکایت حداقل مدتی در حدود ۴ تا ۵ سال طول می کشید. پرونده ابتدا برای رسیدگی های مقدماتی به کمیسیون اروپایی حقوق بشر ارسال و پس از طی این مرحله در صورت تایید این کمیسیون به دادگاه ارجاع می شد. طولانی شدن فرآیند رسیدگی و زمان رسیدگی به شکایت ها باعث شد که پیشنهادهایی در جهت ایجاد سیستم جدیدی عرضه شود تا رسیدگی به شکایت را آسانتر، سهل الوصول تر و در نتیجه کوتاهتر نماید.

از نوامبر ۱۹۹۸ به بعد، پروتکل شماره ۱۱ لازم الاجرا شده و با لازم الاجرا شدن آن سیستم دو مرحله ای سابق که متشکل از کمیسیون و حقوق بشر بود به سیستم یک مرحله ای که همانا دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر است تغییر ساختار داد.

پروتکل شماره ۱۱ تغییرات ماهوی در مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ایجاد نکرده است. همچنین این پروتکل تغییر ماهوی در ملاک ها و معیارهای قابل رسیدگی بودن شکایت در دادگاه اروپایی حقوق بشر به وجود نیارورده است. لیکن با لازم الاجرا شدن این پروتکل افزون بر حذف کمیسیون اروپایی حقوق بشر، تغییرات قابل توجهی در نحوه رسیدگی به شکایت ها و رویه دادگاه ایجاد شد که در مباحث آتی به نحوه رسیدگی و رویه دادگاه خواهیم پرداخت.

ذکر این نکته در پایان این بحث ضروری به نظر میرسد که گر چه با لازم الاجرا شدن پروتکل شماره ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر فرآیند رسیدگی به شکایت نقض کنوانسیون آسان تر و کوتاه تر شده است، لیکن به نظر نمی رسد که سیستم ایجاد شده توسط این پروتکل نیز بتواند پاسخگویی نیاز افزون بر پرونده های رو به تزاید ارجاع به دادگاه اروپایی حقوق بشر باشد. آمار پرونده های اروپایی وارده و پرونده های مختومه تفاوت فاحشی را نشان می دهد که نمایانگر ناتوانی سیستم موجود در رسیدگی سریع و به موقع شکایات است. همین امر چهره های حقوقی شاخص اروپایی را در ژوئن ۲۰۰۰ در کنار هم قرارداد تا تغییرات بیشتری در سیستم رسیدگی را مورد بحث قرار دهند.

۰۳ قضاات دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر و نحوه انتخاب آنها

بر اسا ماده ۲۰ کنوانسیون تجدید نظر یافته اروپایی حقوق بشر، تعداد قضاات برابر با تعداد اعضای ملحق شده به کنوانسیون خواهد بود.

قضات از میان چهره های موجه اخلاقی که صلاحیت علمی برای تصدی مقامات عالی قضایی و یا مشاوره ای دارند انتخاب خواهند شد (بند ۱ ماده ۲۱) قضات دادگاه بر اساس صلاحیت فردی عمل خواهند کرد (بند ۲ ماده ۲۱). بدان معنی که قضات نه به عنوان نماینده کشور متبوع خود بلکه مستقل از آن به امر تقاضا در این دادگاه خواهند پرداخت . بنابراین به تصریح بند سوم ماده ۲۱ قضات دادگاه جدید حقوق بشر در طول دوره قضاوت خود در این دادگاه نایبستی به هر کاری که به استقلال قضایی و یا بی طرفی آنها در تعارض باشد، اشتغال داشته باشند .

ماده ۲۲ کنوانسیون به نحوه انتخاب قضات می پردازد . بر اساس بند ۱ این ماده ، قضات دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر به وسیله آرای اکثریت مجمعی که تمام اعضای کنوانسیون در آن نماینده ای دارند انتخاب خواهند شد . کشورهای عضو هر کدام لیست سه نفره ای از کاندیدای خود را به این مجمع ارائه داده و یک قاضی از این لیست انتخاب خواهد شد . نکته قابل توجه اینکه شرط تابعیت از شرایط حذف شده ، بنابراین هر کشور عضو می تواند کاندیدایی که تابعیت کشور دیگری را دارند معرفی کند . این مساله کار را برای کشورهای بسیار کوچک اروپایی که در معرف سه کاندیدا از کشور خود دچار مشکل بودند آسان کرده است . همچنین در این ماده جدید شرط منع انتخاب دو قاضی دارای تابعیت یک کشور حذف شده است . ماده ۲۳ کنوانسیون به مدت زمان تصدی پست قضاوت در دادگاه پرداخته و قضات دادگاه برای مدتی شش ساله انتخاب و امکان انتخاب مجدد آنها وجود دارد . قضات دادگاه اروپایی قابل عزل نیستند . امکان عزل تنها در حالتی میسر است که دیگر قضات دادگاه به اتفاق رای به عزل او بدهند .

۴۰ سازمان دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر
دادگاه بزرگی متشکل از همه قضات عالی القاعده نمی تواند به عنوان دادگاهی واحد انجام وظیفه نماید . همچنین از آنجا که مهمترین هدف دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر تسریع روند رسیدگی به پرونده ها بوده و بالطبع یک دادگاه بزرگی متشکل از کل قضات نمی تواند برآورد کننده چنین هدفی باشد ، طبیعی است که این دادگاه به بخشها و شعب کوچکتری تقسیم خواهد شد . البته این بدان معنی نخواهد بود که دادگاه در هیچ موردی با حضور تمام اعضا تشکیل نمی شود و یا دادگاه متشکل از ک اعضا فاقد کارکرد خاصی باشد .
ماده ۲۶ کنوانسیون تجدید نظر شده برای دادگاه متشکل از کل اعضا وظایف زیر را پیش بینی نموده است :
الف - انتخاب رئیس دادگاه و یک یا دو نائب رئیس برای مدت ۳ سال که البته این افراد می توانند مجدداً انتخاب شوند .

ب - تشکیل شعبی (chambers) که برای مدت معینی به کار خود ادامه خواهند داد .

ج - انتخاب روسای شعب دادگاه ، که البته این روسا قابل انتخاب مجدد هستند .

د - تدوین قواعد حاکم بر دادرسی دادگاه .

ه - انتخاب مسئول دفتر دادگاه (the registrar) یک و یا بیش از یک قائم مقام و معاون (deputy registrar) برای او .

دادگاه متشکل از همه اعضا در سال ۱۹۹۸ قواعد رسیدگی دادگاه را در ۱۰۴ قاعده مورد تصویب قرار داد که براساس قاعده ۱۰۴ آن این مقررات از اول نوامبر ۱۹۹۸ لازم الاجرا خواهد بود . این قواعد مسائل مهمی همچون نحوه کار کرد دادگاه ، تشکیل شعب و کمیته ها ، نحوه استماع دعاوی ، مساله رای مشورتی ، معاضدت های قضایی و صدور رای و ... را در بردارند . می توان گفت این مقررات به عنوان مجموعه ای دقیق و نسبتاً جامع از نحوه شکل گیری دادگاه و کمیته ها و شعب تا صدور رای را شامل می شود .

بر اساس ماده ۲۷ ، دادگاه دارای کمیته هایی متشکل از سه قاضی و شعبی متشکل از هفت قاضی و یک شعبه عالی (grand chamber) که متشکل از هفده قاضی از جمله رئیس دادگاه و معاونان او خواهد بود . پرونده های ارجاعی به تناسب وضعیت به یکی از شعب دادگاه ارسال و رئیس دادگاه ممکن است دستور رسیدگی اولیه را به یک قاضی تحقیق ارجاع دهد . قاضی تحقیق به نوبه خود ممکن است ارسا اقدام به اظهار نظر مبنی بر قابل رسیدگی بودن پرونده نموده و یا آنرا به کمیته سه نفره ارجاع دهد . شعبه متشکل از هفت قاضی النهایه در این مورد تصمیم خواهد گرفت . شعبه عالی نیز بنا به تصریح ماده ۴۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به عنوان مرجع نهایی عمل خواهد کرد .

۵۰ چه کسانی می توانند در دادگاه اقامه دعوی بکنند .

دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر ، همانند تشکیلات پیشین ، هم به دعاوی کشورهای عضو علیه یکدیگر و هم به دعاوی افراد و سازمانهای غیر دولتی علیه کشورهای عضو کنوانسیون رسیدگی خواهد کرد . بر اساس ماده ۲۳ کنوانسیون تجدید نظر شده هر یک از کشورهای عضو کنوانسیون می تواند در مورد ادعای نقض مفاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و یا پروتکل های آن علیه کشور دیگری که عضو کنوانسیون باشد شکایت برد . در مورد پروتکل ها واضح است که منظور پروتکل هایی است لازم الاجرا شده بدین معنی که کشور مشتکی عنه نیز به آن پیوسته باشد .

ماده ۳۴ کنوانسیون دادگاه می تواند تقاضاهای رسیدگی از تمام اشخاص ، سازمانهای غیر دولتی و یا گروهها و جمعیت هایی دریافت کند که مدعی هستند قربانی نقض حقوق و موازین پیش بینی شده در کنوانسیون و

یا در پروتکل های ضمیمه آن توسط یکی از کشورهای عضو کنوانسیون هستند . در این زمینه نکته قابل توجه این است که دولت‌ها نمی‌توانند به هیچ طریقی از اعمال حق مراجعه افراد به دادگاه ممانعت به عمل آورند . از نکات مثبت مطرح شده در ماده ۳۴ کنوانسیون این است که افراد صرف نظر از تابعیتشان حق مراجعه به دادگاه مزبور را دارند . بنابراین شهروندان غیر اتباع کشورهای عضو دادگاه نیز می‌توانند نسبت به نقض حقوق مصرح در کنوانسیون توسط یکی از کشورهای عضو کنوانسیون به دادگاه شکایت برند . این چنین حقی بویژه برای مهاجران ، پناهندگان و ساکنان غیر تبعه کشورهای اروپایی به عنوان يك منبع حمایتی قابل توجه به شمار می‌آید .

۰۶ ملاکهای پذیرش دادخواست در دادگاه از جمله مسائلی است که مورد بحث و بررسی مفصلی در محافل و منابع حقوق بشر اروپایی قرار گرفته است .

مواد ۳۳ تا ۲۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نکات اساسی درباره ملاکهای پذیرش دادخواست را بیان می‌دارد . بر اساس ماده ۳۳ دادگاه به شکایات هر يك از کشورها در موارد نقض حقوق مصرح در کنوانسیون توسط کشور دیگری رسیدگی خواهد کرد . بنابراین شکایات کشورهای غیر عضو کنوانسیون علیه کشورهای عضو کنوانسیون و یا شکایات کشورهای عضو کنوانسیون علیه کشورهای غیر عضو به دادگاه اروپایی حقوق بشر ارتباطی پیدا نمی‌کند .

چنانچه در مبحث قبل دیدیم ، ماده ۳۲ کنوانسیون امکان شکایات افراد و سازمانهای غیر دولتی علیه کشورهای عضو مبنی بر نقض حقوق مصرح در کنوانسیون در آن کشورها را مورد رسیدگی قرار می‌دهد . نکته قابل توجه که هم در این ماده و هم در ماده ۲۵ مورد تصریح قرار گرفته ، این است که دادگاه به شکایات نقض حقوق پیش بینی شده در کنوانسیون و یا پروتکل های ضمیمه آن رسیدگی می‌کند . در مباحث آتی توضیحات بیشتری را در این زمینه خواهیم داد .

ماده ۲۵ کنوانسیون به شرایط و ملاکهای پذیرش دادخواست و شکایت در دادگاه با جزئیات بیشتری می‌پردازد . بر اساس بند ۱ این ماده تنها در صورتی که تمام راههای موجود در نظام حقوق داخلی يك کشور طی شده باشد و قربانی نقض حقوق بشر نتوانسته باشد از طریق مراجع داخلی به احقاق حق بپردازد دادگاه اروپایی حقوق بشر به پرونده رسیدگی خواهد کرد این مساله مطابق با منطق و اصول بین المللی است که بر اساس آن مراجع بین المللی و غیر داخلی در صورت عدم پاسخگویی و ناکارایی مراجع داخلی وارد عمل خواهند شد . به دیگر سخن ، صلاحیت مراجع غیر داخلی پس از طی تمام مراحل داخلی مطرح خواهد شد . بررسی جنبه های مختلف این قاعده که امروزه ادعا شده به قاعده ای پذیرفته شده در حقوق بین الملل تبدیل شده است ، خارج از حوصله این مقاله است .

به طور خلاصه ماهیت این قاعده و این که آیا این قاعده شکلی یا ماهوی است ، و اینکه حوزه قلمرو این قاعده کدام دسته از موارد مربوط به نقض حقوق بشر باید باشد ، محتوای این قاعده چیست و بالاخره تکلیف اقامه دعوی دلیل در این موضع به عهده کیست از جمله مسائل مهم در بررسی این قاعده است .

همچنین در بند ۱ ماده ۲۵ پیش بینی شده است که شکایت و تسلیم دادخواست به دادگاه اروپایی حقوق بشر در طی مدت شش ماه پس از آخرین تصمیم در مراجع داخلی مقدور خواهد بود . طبیعی است پیش بینی يك دوره حداکثر شش ماهه به منظور جلوگیری از پرونده ها و مواردی بوده که مدتهای طولانی از آن گذشته و در حقیقت تلاشی است در جهت محدود کردن و تقلیل موارد ارجاعی به دادگاه . واضح است با توجه به فرهنگ دادگاه گرایی اروپاییان ، امکانات و معاضدت های حقوقی موجود در آن قاره و سطح آگاهی عمومی مردم نسبت به امکانات موجود و حقوق خود ، در صورتی که شاکی به جد بر محق بودن خود مصر باشد ، علی القاعده در طی مدت شش ماه اقدام به شکایت به دادگاه مزبور خواهد نمود . باید توجه داشت محدود کردن امکان شکایت به مدت مزبور در موارد نادری ممکن است به تضییع حقوق برخی افراد نیز منجر شود .

بر اساس بند ۲ ماده ۳۵ (الف) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ، دادگاه به شکایات افراد و سازمانهای غیر دولتی ناشناخته و فاقد نام رسیدگی نخواهد کرد . منطق حقوقی حاکم بر این کلاک و شرط هم به خوبی روشن است چرا که دادگاه يك مرجع قضایی بر حل و فصل دعاوی و رسیدگی به شکایات است و نه يك مرجع نظارتی صرف .

همچنین بند ۲ ماده ۳۵ (ب) تصریح می‌کند که دادگاه به پرونده هایی که قبلا توسط این دادگاه و یا مرجع تحقیق و یا حل و فصل بین المللی دیگری ارائه شده مورد بررسی قرار گرفته و حاوی اطلاعات تازه ای در مورد پرونده نیست رسیدگی نخواهد کرد . در حقیقت دادگاه ، اصل عدم رسیدگی مجدد به قضیه محکوم بها را در این مورد ساری و جاری می‌داند .

به اعتقاد نگارنده بحث انگیزترین مورد در ارتباط با ملاکها و شرایط رسیدگی به شکایات در بند ۳ ماده ۳۵ کنوانسیون مورد تصریح قرار گرفته است . چنانچه گذشت ، دادگاه تنها به شکایات مربوط به نقض حقوق پیش بینی شده در کنوانسیون و پروتکل های ضمیمه می‌تواند رسیدگی کند .

این مطلبی با تصریح بیشتری در این بند مورد توجه قرار گرفته است . بر اساس بند ۳ ماده ۳۵ ، دادگاه شکایت افراد و سازمانهای غیر دولتی را که با مقررات و مواد کنوانسیون و پروتکل های آن غیر منطبق بدانند رد خواهد

کرد . دادخواست به این دلیل که باری دادگاه رسیدگی به آن در چهار چوب مواد و مقررات کنوانسیون امکان ندارد ، ممکن است غیر قابل طرح شناخته شود . مثال بارز آن می تواند مواردی مثل شکایت از نقض حقوقی غیر مصرح در کنوانسیون و پروتکل هایی باشد که کشور مشتکی عنه به آن پروتکل ملحق نشده باشد . نگاهی اجمالی به حقوق مصرح در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در این زمینه می تواند مفید باشد . بخش اول کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دوازده حق و آزادی را مورد توجه قرار داده است :

- ۰۱ حق حیات (ماده ۲) .
- ۰۲ منبع شکنجه و مجازات و یا رفتارهای تحقیر آمیز و غیر انسانی (ماده ۳) .
- ۰۳ آزادی از بردگی (منع برده داری ، ماده ۴)
- ۰۴ حق آزادی و امنیت شخصی (ماده ۵) .
- ۰۵ حق بهره مندی از محاکمات منصفانه (ماده ۶) .
- ۰۶ حمایت در برابر عطف به ماسبق شدن قوانین کیفری (ماده ۷) .
- ۰۷ حق بهره مندی از احترام به زندگی خانوادگی و خصوصی ، خانه و مراسلات (ماده ۸) .
- ۰۸ آزادی اندیشه ، مذهب (ماده ۹) .
- ۰۹ آزادی بیان (ماده ۱۰) .
- ۰۱۰ آزادی تجمعات و اجتماعات مسالمت آمیز (ماده ۱۱) .
- ۰۱۱ حق و آزادی ازدواج (ماده ۱۲) .
- ۰۱۲ حق بهره مندی از حمایت برای جبران خسارت در صورت نقض حقوق شخص (ماده ۱۳) .

افزون بر حقوق مذکور ، پروتکل های الحاقی به این کنوانسیون نیز حقوقی به کنوانسیون اضافه کرده اند که بالطبع برای کشورهای که به پروتکل های مذکور ملحق شده اند لازم الرعایه است . برای مثال در پروتکل شماره یک حقوقی از قبیل حق بهره مندی مسالمت آمیز از اموال و یا حق آموزش و بویژه حق والدین نسبت به آموزش فرزندان نسبت به باورهای مذهبی و فلسفی خود پیش بینی شده است . منع زندان به دلیل ناتوانی از انجام تعهدات قراردادی ، آزادی تردد و انتخاب محل اقامت در پروتکل شماره ۴ مقرر شده اند . پروتکل شماره شش به منع مجازات اعدام پرداخته است . پروتکل شماره ۷ با پیش بینی حق بیگانگی که به صورت قانونی مقیم کشوری هستند بر عدم اخراج مگر بر اساس تصمیم اتخاذ شده بر اساس قانون آن هم پس از طی مراحل همچون امکان رسیدگی مجدد ، ساز و کاری حمایتی از حقوق اقامتی بیگانگان را فراهم کرده است . این پروتکل حقوق دیگری را هم بویژه در قلمرو حقوق کیفری برای متهمان و مجرمان پیش بینی نموده است . به هر روی بیان پیش بینی و بحث پیرامون حقوق مقرر در کنوانسیون و پروتکل های ضمیمه آن خارج از حوصله و هدف اصلی این نوشتار است ، لیکن به دلیل اهمیت این حقوق در ارتباط با پذیرش و یا رد دادخواست های ارجاعی به دادگاه به صورت مختصر و فهرست وار مورد اشاره قرار گرفت .

بسیاری از شکایات رد شده به دلیل شکایت از نقض حقوقی است که در کنوانسیون مزبور و یا یکی از پروتکل های ضمیمه آن پیش بینی نشده است . برای مثال حقوقی همچون حق پناهندگی ، حق مسکن ، حق داشتن یک تابعیت ، حق بازنشستگی ، حق عدم استرداد و در مورد برخی مجرمین و برخی دیگر حقوق گر چه ممکن است در دیگر اسناد بین المللی حقوق بشر و یا حتی سایر اسناد اروپایی حقوق بشر مثل منشور جامعه اروپایی راجع به حقوق بنیادین اجتماعی کارگران پیش بینی شده باشد ولیکن به دلیل آن که در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و یا پروتکل های ضمیمه آن مورد شناسایی قرار نگرفته است نمی توانند در دادگاه اروپایی حقوق بشر مورد رسیدگی قرار گیرند .

۰۷ نتیجه و آینده دادگاه

دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر با هدف تسریع به رسیدگی شکایات با توانایی و قابلیت بیشتر از سیستم رسیدگی دو مرحله ای قبلی تشکیل گردیده است . مساله دقت در رسیدگی های قضایی نیز از دید تدوین کنندگان پروتکل شماره ۱۱ و همچنین قضات منتخب دوره اول دور نبوده است . مجموعه قواعد رسیدگی تدوین شده توسط مجمع قضات دوره اول در سال ۱۹۹۸ و اصولا خود مواد کنوانسیون تجدید نظر شده پس از پروتکل شماره ۱۱ نمایانگر میزان دقت و حساسیت تدوین کنندگان بوده است . تلاش در جهت نیل به سرعت بیشتر با حفظ دقت لازم در امر قضا به ویژه در قلمرو حساس نقض حقوق بشر آن هم در یک مرجع فراملی بوده است . با این همه ، گفتمان حقوق بشر روز به روز در حال توسعه و تعمیق است . محدود کردن دادگاه به رسیدگی نقض حقوق مصرح در کنوانسیون ، موارد بسیار دیگری از نقض حقوق بشر را که حتی مورد پذیرش خود اعضای کنوانسیون در دیگر اسناد قرار گرفته است از حیطه رسیدگی دادگاه خارج کرده است . و این بدان معنی است که دادگاه در چنین موارد و موضوعاتی نمی تواند به عنوان مرجعی قضایی فراملی فراگیر در زمینه حقوق بشر عمل کند .

همچنین افزایش حجم شکایات واصله به دادگاه نشان از رویکرد و اقبال هر چه بیشتر به دادگاه دارد . این افزایش حجم اولیه الزاما نمایانگر افزایش نقض حقوق بشر نیست ، بلکه می تواند نشانگر افزایش اقبال شهروندان اروپایی به حقوق بشر و همچنین توسعه آگاهیهای آنها بر امکان احقاق حق از طریق یک مرجع

فراملی باشد . افزایش حجم شکایات به هر دلیل که باشد خیلی زود ضعف دادگاه جدید در رسیدگی کوتاه مدت به شکایات را نشان داده و امکان تجدید نظر در ساختار رسیدگی را در آینده ای نه چندان دور به خوبی نشان می دهد .

در پایان جای این تامل و سوال به طور جدی مطرح است که آیا الگوی دادگاه اروپایی حقوق بشر می تواند به عنوان الگوی بین المللی و فراگیر و یا الگوی منطقه ای برای سایر نقاط جهان عمل کند . در کوتاه مدت ، پاسخ منفی است . چرا که این دادگاه اروپایی حقوق بشر در تعامل تنگاتنگ با سایر ساختارهای حقوقی ، فرهنگی ، سیاسی اروپا در چارچوب کشورهای نسبتاً هم خوان و تا حدود زیادی هم فرهنگ تحقق پیدا کرده است . فرهنگ انقیاد به مراجع فراملی که بالطبع فرا قدرت ملی خواهد بود الگوی نخواهد بود که به سادگی بتواند مورد پذیرش نظام های سیاسی غیر مردم سالار قرار گیرد .

همچنین کشور گرایي که باقیمانده اندیشه های ملی گرایي قرون نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم اروپا است هنوز در بسیاری از مناطق دنیا حقوق و سیاست را تحت تاثیر شدید خود دارد . طبیعی است که اندیشه کشورگرایي با ایده تحت حاکمیت ملی بوسیله مراجع فراملی سر سازگاری ندارد . لیکن سیر تح.ل تاریخ بشر ، بویژه در نیمه دوم قرن بیستم به بعد نشان داده است که جهت گیری حقوق و سیاست انسانی به سمت محدود کردن حاکمیت ملی به نفع تضمین حقوق شهروندی است .